(306)

هو الابهی

یا من انجذب من نفحات الله چون نیر اعظم از آفاق امم اشراق فرمود حقائق ظلمانیه که عدو انوار بودند پرده بر دیده کشیدند و در هاویه سقوط و هبوط خزیدند و از شدت غل و بغضآء بهمسات و نفثات افکیه و همزات و لمزات شرکیه خواستند که آن نور ساطع و شعاع لامعرا از جمیع ابصار و بصائر مستور و پنهان نمایند شمس حقیقت بپرتوی جمیع آنحجبات و سبحات را خرق و مضمحل فرمود و در قطب سمآء و خط نصف النهار چنان اشراق نمود که امکان مشرق انوار لامکان گردید و ظلمتکده آفاق ملکوت اشراق افق اعلی گشت ذلت الأعناق لقوة برهانه و عنت الوجوه لعظیم سلطانه و سجدت النفوس لباهر آیاته و خرت و انصعقت من سطوع تجلیاته سبحانه ما اعظم شأنه و اکبر برهانه و اقوی سلطانه العظیم و سبحان الله با وجود آنکه در ایام ظهور مظاهر تقدیسش تجربه نموده بودند که از صعود فتوری در امرشان حاصل نگشت در صعود نیر اعظم باز اهل وساوس و ظنون بحرکت آمدند و گمان کردند که بلکه خمودتی در نار سدره ربانیه حاصل گردد و انوار نیر اعظم از آفاق امم بکلی زائل شود طیور لیل بجناح آمال و امید بپرواز آمدند و جولانی کردند و عربدهئی نمودند و میدانی جستند و کوشیدند و جوشیدند حمد محبوب عالم را که عاقبت کل خائب و خاسر گشتند و انامل حسرت گزیدند و بآتش حرمان سوختند عضوا علیکم الأنامل من الغیظ قل موتوا بغیظکم انوار شمس حقیقت سطوعش بیشتر گشت و کلمة الله علوش عظیمتر صیت امر الله بلندتر شد و آوازه حزب الله شرق و غرب را احاطه نمود له الحمد و له الشکر علی هذا الفضل العظیم (ع ع)